



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: ارث غرقى و مهدمو عليهم.

خبرى در باب ۵ از ابواب ميراث غرقى و مهدمو عليهم نقل شده بود که دلالت داشت بر اینکه حضرت امير عليه السلام ام کلثوم را به عمر داد، به همین مناسبت بحثى بوجود آمد که آیا اين قبيل مطالب صحيح است يا نه و چگونه بايد حل بشود؟.

همان طور که عرض کردیم جنگ نرم از زمان اهل بيت عليهم السلام وجود داشته و عده ای چون نمى توانستند با ائمه عليهم السلام وارد جنگ سخت بشوند با آنها جنگ نرم مى کردند يعنى سعى مى کردند با تبليغات سوء نظرهای خودشان را نسبت به اهل بيت عليهم السلام تبليغ و منتشر کنند ولو در باب حديث و يا بايى از ابواب فقهى فلذا برای ما واجب است که در برابر اين قبيل از موضوعات خيلى بيدار و هوشيار باشيم، حالا بنده برای نمونه عرض مى کنم که در شرح لمعه در فصل آداب تجارت ۲۴ مورد درباره آداب تجارت ذکر کرده که چهاردهمين آنها ترک معامله با أکراد است يعنى با کردها معامله نکنيد بواسطه حديثى از امام صادق عليه السلام که علتش را اينطور ذکر کرده که کردها از طائفه أجنه هستند و خداوند پرده را کنار زده تا اينکه أجنه به صورت کردها در بين مردم ظاهر بشوند و همچنين از نکاح با آنها نهي شده! خب آیا ما مى توانيم چنين چيزى را قبول کنیم؟! بعد از اينکه ما اصولى مثل "إنما المؤمنون إخوة" يا "إن أكرمکم عند الله أتقاکم" و امثال ذلک داریم آیا مى توانيم چنين اخبارى را قبول کنیم؟ خب ببينيد دشمن چگونه نفوذ مى کند و حديثى از امام صادق عليه السلام جعل مى کند برای ايجاد اختلاف بين امت اسلامى و مؤمنين و همچنين بدبين کردن مردم نسبت به اهل بيت عليهم السلام، حالا ما در اين رابطه چه بايد بگوئيم؟! خب اين دقيقا همان جنگ نرم است که امروزه نيز دشمنان و استکبار جهانى تحت عنوان ايران هراسى و شيعه هراسى انجام مى دهند و ما نحن فيه (ازدواج عمر با ام کلثوم) نيز يکى از همین موارد است.

مواضع حضرت امير عليه السلام نسبت به حق خودش و نسبت به خلفاء بسيار روشن و شفاف است و اين مطلب با صراحت در خطبه شقشقيه بيان شده، بعضى ها فکر کرده اند که سيد رضى اين

خطبه شقشقيه را درست کرده درحالى که علامه امينى رضوان الله عليه ۲۸ طريق از اهل سنت برای خطبه شقشقيه ذکر مى کند و مى فرمايد حتى قبل از تولد سيد رضى در کتب عامه اين خطبه نقل شده است و حالا اين خطبه فقط يک نمونه مى باشد و در جای جای نصح البلاغه حضرت از خلفاء انتقاد دارد مثلا در نامه ۵۳ که به مالک اشتر نوشته اند نيز مطالبى را درباره خلفاء بيان فرمودند که مراجعه و مطالعه بفرمائيد، على آئى حال مطلب در اين رابطه بسيار است و ما نمى خواهيم مبسوطا وارد اين بحث بشويم.

در زمان امام رضوان الله عليه عده ای در مقابل ايشان قرار گرفتند که مى گفتند قبل از حکومت حضرت مهدى عليه السلام هر حکومتى سرکار بيايد طاغوت و باطل مى باشد! آنها به احاديثى نيز در اين رابطه استدلال مى کردند تا اينکه امام رضوان الله عليه فرياد کشيدند و فرمودند عده ای شکم پرست و تنبل احاديثى را در دست گرفته اند و به آنها استدلال مى کنند و مى گویند نبايد قبل از قيام حضرت مهدى عليه السلام حکومتى برپا بشود! وقتى ما به روايات رجوع مى کنيم بايد جامع و کامل همه روايات را ببينيم و با اصول تطبيق بدهيم و اگر با اصول مخالفت داشت مى فهميم که جعلى هست ولو اينکه روايت آن معتبر باشند.

اخبار مذکور در باب ۱۳ از ابواب جهاد العدو ذکر شده اند که مخالفين امام رضوان الله عليه اين اخبار را در مقابل ايشان علم کرده بودند، در اين باب ۱۷ خبر نقل شده و عنوان باب اين است: "باب ۱۳ : حکم الخروج بالسيف قبل قيام القائم عليه السلام".

چند خبر را به عنوان نمونه مى خوانيم:

خبر اول: ﴿محمد بن يعقوب، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن صفوان بن يحيى، عن عيص بن القاسم قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: عليكم بتقوى الله وحده لا شريك له وانظروا لأنفسكم، فوالله إن الرجل ليكون له الغنم فيها الراعي، فإذا وجد رجلا هو أعلم بغنمه من الذي هو فيها يخرجوهيحي بذلك الرجل الذي هو أعلم بغنمه من الذي كان فيها، والله لو كانت لأحدكم نفسان يقاتل بواحدة يجرّب بها ثم كانت الأخرى باقية يعمل على ما قد استبان لها، ولكن له نفس واحدة إذا ذهب فقد والله ذهبت التوبة فأنتم أحق أن تختاروا لأنفسكم، إن أتاكم آت منا فانظروا على أي شيء تخرجون، ولا تقولوا خرج زيد، فان زيدا كان عالما وكان صدوقا ولم يدعكم إلى نفسه، وإنما دعاكم إلى الرضا من آل محمد صلى الله عليه وآله ولو ظهر لوفى بما دعاكم إليه إنما خرج إلى سلطان مجتمع لينقضه، فالخارج منا اليوم إلى أي شيء يدعوكم إلى الرضا من آل محمد صلى الله عليه وآله وسلم فنحن نشهدكم انا لسنا نرضى به وهو يعصينا اليوم وليس معه

است و در آن حدیث اینطور گفته شده که یحیی بن زید گفته که پدرم قیام کرد و من نیز قیام کردم اما از طریق ائمه علیهم السلام به ما اینطور وصیت شده که ما نباید قیام کنیم و هر کس قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام قیام کند محکوم به شکست می باشد، این خبر در مقدمه صحیفه است که ظاهراً بعدها به آن اضافه شده و خب خود صحیفه معلوم است که کلام امام می باشد ولی این حدیث را در اول صحیفه نقل کرده اند که دو نفر مجهول الحال در سند آن هستند و خبر سنداً ضعیف می باشد.

حضرت باقر علیه السلام به جابر بن عبدالله انصاری بر خورد کردند و به او فرمودند ای جابر یا تو به منزل ما بیا و یا من به منزل تو می آیم با تو کاری دارم، جابر گفت شما به منزل ما تشریف بیاورید، امام باقر علیه السلام به منزل جابر رفت و به او گفت پیش من صحیفه پدرم امام سجاد علیه السلام هست و شنیدم تو نیز یک نسخه ای از آن داری آن را بیاور تا با این نسخه ای که من دارم و یحیی برای ما فرستاده تطبیق بدهیم، جابر گفت چشم و رفت صحیفه خودش را آورد و با هم تطبیق دادند و حضرت فرمودند بله این همان است که یحیی برای من فرستاده، علی آئی حال در مقدمه صحیفه سجادیه یک حدیثی هست که دو نفر مجهول الحال در آن می باشد.

امام رضوان الله علیه در کتاب ولایت فقیه در مورد افرادی که با استدلال به این اخبار می گفتند قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام قیام در مقابل ستمگران و تشکیل حکومت جایز نیست فرمودند؛ انزوا طلبان شکم پرست با مستمسک قرار دادن چند روایت ضعیف تنبلی و سستی خود را توجیه می کنند، ملاحظه کنید با دو روایت ضعیف چه بساطی راه انداخته اند، آیا نمی بینید قرآنی را که با جدیت مردم را به قیام در برابر سلاطین دعوت می کند موسی و دیگر انبیاء الهی را به قیام در برابر سلاطین دعوت می کند و در جائی می فرماید: ﴿وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ﴾^۵، این تنبلی ها قرآن را کنار گذاشته اند و چسبیده اند به دو روایت ضعیفی که شاید وعاظ السلاطین (مفتیانی که طبق میل سلاطین فتوی می دهند و ظلمهای آنان را توجیه می کنند) آنها را جعل کرده باشند، و بالاخره امام در آخر کلامش می فرماید انزوا طلبی ناشی از سود جوئی و رفاه طلبی و یا ترس و زبونی می باشد، لذا امام فرمودند من یک موی این کوخ نشینان را به چهل تا از آن مرفهین بی درد نمی دهم.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرين

أحد، وهو إذا كانت الرايات والألوية أجدر أن لا يسمع منا إلا من اجتمعت بنو فاطمة معه، فوالله ما صاحبكم إلا من اجتمعوا عليه إذا كان رجب فاقبلوا على اسم الله، وإن أحببت أن تتأخروا إلى شعبان فلا ضير، وإن أحببت أن تصوموا في أهاليكم فلفل ذلك يكون أقوى لكم، وكفاكم بالسفنياني علامة^۱.

خبر دوم: ﴿وعنه، عن أبيه، عن حماد بن عيسى، عن ربعي رفعه، عن علي بن الحسين عليهما السلام قال: والله لا يخرج أحد منا قبل خروج القائم إلا كان مثله كمثل فرخ طار من وكره قبل أن يستوي جناحاه فأخذه الصبيان فعبثوا به^۲﴾.

خبر سوم: ﴿وعن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن عثمان بن عيسى، عن بكر بن محمد، عن سدیر قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: يا سدیر أئزم بيتك، وكن حلسا من أحلاسها، واسكن ما سكن الليل والنهار، فإذا بلغك أن السفنياني قد خرج فارحل إلينا ولو على رجلك^۳﴾.

خبر چهارم: ﴿وعنه، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن حماد بن عيسى، عن الحسين بن المختار، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كل راية ترفع قبل قيام القائم فصاحبها طاغوت يعبد من دون الله عز وجل^۴﴾.

مخالفین حرکت امام رضوان الله علیه به این قبیل روایات برای رد ایشان استدلال می کنند.

وقتی زید قیام کرد امام سجاد علیه السلام فرمودند این فرزند من زید را خواهند کشت و دفن خواهند کرد و قبرش را نبش خواهند کرد بیرون خواهند آورد و سرش را خواهند برید و بعد بدنش را در کوچه های کوفه خواهند کشید و بعد مجدداً او را به دار خواهند زد و بعد او را از دار پایین خواهند آورد و او را خواهند سوزاند و خاکستر او را به دریا خواهند ریخت، خب واما بعد از قیام زید و شهادتش به ترتیبی که عرض شد پسرش یحیی به ایران آمد و به طالقان رفت (طالقان در روایات ما جایگاه ویژه ای دارد) و اهل طالقان با او بیعت کردند و بالاخره شکست خوردند و اما وقتی خواستند یحیی را بکشند به شخصی گفت من یک کتابی دارم که از اجدادم به من رسیده که در واقع آن کتاب همین صحیفه سجادیه بود، در مقدمه صحیفه سجادیه خبری نقل شده که البته سنداً ضعیف

^۱ وسائل الشیعة، شیخ حرعاملی، ج ۱۱، ص ۳۵، ابواب جهاد العدو، باب ۱۳، حدیث ۱، ط الإسلامیة.

^۲ وسائل الشیعة، شیخ حرعاملی، ج ۱۱، ص ۳۶، ابواب جهاد العدو، باب ۱۳، حدیث ۲، ط الإسلامیة.

^۳ وسائل الشیعة، شیخ حرعاملی، ج ۱۱، ص ۳۶، ابواب جهاد العدو، باب ۱۳، حدیث ۳، ط الإسلامیة.

^۴ وسائل الشیعة، شیخ حرعاملی، ج ۱۱، ص ۳۷، ابواب جهاد العدو، باب ۱۳، حدیث ۶، ط الإسلامیة.

^۵ سوره هود، آیه ۱۱۳.